

تحلیلی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گزینش شغل زنان در خارج از منزل (مطالعه موردی: زنان شهر اهواز)

نبی‌اله ایدر^{۱*}، فخرالدین سلطانی^۲

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

۲- استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیلی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گزینش شغل زنان در خارج از منزل انجام شده است و بر اساس پارادایم و معرفت علمی تحقیق، روش کمی برای سنجش متغیرهای مورد بررسی انتخاب شده است. نمونه پژوهش تعداد ۳۸۴ نفر از زنان ۱۸ تا ۶۰ ساله شهر اهواز هستند که اطلاعات آماری به کمک پرسشنامه از آنها جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش در بحث تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی بین کل متغیرها ۰/۴۳۹ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۲۱ بوده گویای این واقعیت آماری است که ۳۲ درصد از کل میزان گرایش به مشاغل خارج از منزل وابسته به ۴ متغیر مستقل؛ عامل قدرت، عامل اقتصادی، عامل جامعه‌پذیری و عامل روان‌شناختی است. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل ۳۲ درصد واریانس متغیر وابسته گرایش به مشاغل بیرون از خانه را برآورد (پیش‌بینی) می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: زنان، شغل، عامل قدرت، عامل اقتصادی، عامل جامعه‌پذیری، عامل روان شناختی.

مقدمه و بیان مسأله

با شروع توسعه صنعتی جوامع و نیاز به نیروی انسانی کارگر با توان یدی شرایطی ایجاد کرده بود که از زنان با ویژگی روانی و جسمانی متفاوت، کمتر در مشاغل یدی استفاده می‌شد. بنابراین گزینش نوع شغل برای زنان در دوره‌هایی مصداق تفاوت‌های جنسیتی بوده است. بنابراین از دورترین دوره‌های تاریخ تا عصر حاضر، هرگاه زنان فرصتی به دست آورده‌اند، نسبت به وضع موجود و سنت‌های جاری حاکم بر جامعه خود اعتراض کرده و خواستار رفع تبعیض موجود بین خود و مردان شده‌اند و این اعتراضات عمدتاً در مسایلی مانند گزینش مشاغل و ورود آنان به عرصه‌های عمومی نشان داده شده است. همچنین از آنجایی که بحث اشتغال امروزه از جدی‌ترین مباحث اقتصادی کشورهاست، پدیده اشتغال و کار از ابتدای زندگی بشر مورد توجه بوده است و تقریباً برای اکثر سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مجریان، توافقی جمعی مبتنی بر نیاز مردان جویای کار به داشتن شغل وجود دارد؛ در حالی که این توافق در مورد اشتغال زنان بسیار ناچیز است. در گذشته اشتغال زنان همراه با مردان در مزارع و در خانه، امری عادی تلقی می‌شد، هر چند تفکیک نقش‌ها و وظایف وجود داشت. جایگاه شغلی تمام زنان دنیا از نظر ورود به بازار کار، دستمزد، پاداش، ترفیع، پیشرفت‌های حرفه‌ای و... ویژگی‌های متفاوتی از مردان داشته و در بسیاری از موارد فرودست‌تر است. بر همین اساس تلاش‌های گسترده‌ای توسط زنان در راستای کسب مشاغل جدید و مشاغل همراستای مردان صورت گرفته است.

هرچند پدیده اشتغال و کار زنان از ابتدای زندگی اجتماعی بشر وجود داشته، ولی در فراز و نشیب‌هایی قرار گرفته است. در برخی جوامع امروزی، کار زنان همپای کار مردان در جامعه جایگاه و شأن داشته است و در برخی دیگر این گونه نبوده است. با آنکه زنان نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی دارند، ولی کمتر از آنان سخن به میان می‌آورند، تنها آنجا که از مشاغل ثانوی، تخصص کمتر، دستمزد پایین و آینده نامعلوم صحبت می‌شود، وجود زنان

مطرح می‌گردد. امروز اهمیت اشتغال و نیروی انسانی ماهر و متخصص ثابت شده است و بنابراین این تخصص در هر جنسیتی برای جوامع کارا و مفید است. بطور کلی زنان در جامعه ایران به دلایلی چند اشتیاق بیشتری به کار کردن نشان داده‌اند که عوامل اقتصادی معمولاً مهمترین دلایل آن است. زنان برای جبران کمبود درآمد خانواده و بالا بردن قدرت خرید خانواده، برای کسب نوعی آزادی فردی و استقلال و یا به عنوان ایمنی برای آینده خود یا خانواده‌شان کار می‌کنند (سفیری، ۱۳۷۷: ۴۴).

از آنجایی که زنان بخش عظیمی از فعالیت‌های داخل خانه را انجام می‌دهند؛ اما چون این کارها به بیان اقتصادی سنجیده نمی‌شود، ارزشمند تلقی نمی‌گردد و این دسته از فعالیت‌ها که در داخل خانه انجام می‌شود، جزو کار و اشتغال به معنای معمول آن نیست. از نظر فمینیست‌ها احساس یک زن درباره اینکه چقدر ارزش دارد، بستگی تام به میزان درآمد خانوادگی، چگونگی روابط خانوادگی و نگرش او به پول و شغل دارد. آنها معتقدند که زنان به ویژه در محیط‌های کاری استثمار می‌شوند و احتمال اینکه آنان کمتر از مردان از خدمات و توجه بهره‌مند شوند، بیشتر است. میان انواع مختلف مشاغل، درآمد و منزلت اجتماعی آنان اختلاف فاحشی وجود دارد. برای مثال اگر چه مشاغل سختی مانند احداث ساختمان، ابزار دقیق و لوله‌کشی و سایر کارهای مردانه دستمزد خوبی حاصل می‌شود، به مشاغل زنانه‌ای چون معلمی همچنان دستمزد کمی پرداخت می‌شود (فرنهایم و آرگایل، ۱۳۸۴: ۵۱). با این تفاسیر زندگی زنان با کار گره خورده است و همیشه مشغول فعالیت اقتصادی بوده‌اند. در شهرهای قدیمی زنان علاوه بر کارهای مربوط به خانه، به مشاغلی چون خیاطی، آرایشگری، مامایی، بافتن قالی و کارهای دستی سنتی می‌پرداختند و یا به صورت خدمه در خانه‌های دیگران مشغول به کار بودند. بعد از انقلاب صنعتی و ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌های مختلف، سرمایه‌داران به دنبال نیروی کار ارزان قیمت بودند و زنان بهترین این نیروها به حساب می‌آمدند، به خصوص در صنعت نساجی زنان بیشتر از بقیه صنایع حضور پیدا کردند. البته همه مفسران موضوع اشتغال زنان این واقعیت را خاطر نشان کرده‌اند که در مقایسه با مردان، دست‌مزد زنان بسیار پایین‌تر است. بخش‌هایی که زنان در آن متمرکزند مثل کار دفتری، نساجی یا پرستاری، در زمره کم دست‌مزدترین مشاغل هستند. دلیل آن تمرکز زنان در بخش‌های

استخدامی کم دست مزد و نیز در پایین ترین رده ساختار حرفه ای در هر شغل است. زنان همچنین نسبت به مردان در هفته ساعات کم تری کار می کنند، اضافه کاری کمتری دارند و کمتر در شیفت های کاری غیر معمول می مانند، چرا که مسئولیت خانوادگی زنان است که مانع مشارکت بیشتر آنها می شود (گرت، ۱۳۸۵: ۱۲۸). دامنه این تغییر و تحولات فقط خاص جوامع غربی نبوده و امروزه در بسیاری از کشورها تحولات شگرفی در حوزه زنان رخ داده که کشور ایران نیز در راستای تحول زندگی و اشتغال زنان همواره یکی از پیشگامان منطقه بوده است. همچنین در دو دهه اخیر تحولات چشمگیری در مورد وضعیت زنان رخ داده است و کاهش نابرابری های جنسیتی، جزو جدایی ناپذیر فرآیند توسعه شده است و یکی از مهمترین تحولات در دیدگاه حاکم نسبت به زنان در این فرآیند است. تقریباً در سال های پیش از ۱۹۷۵ در جهت کمک به زنان بیشتر مسائل رفاهی مطرح می گردید و تمامی تلاش ها در جهت فراهم نمودن امکاناتی برای تأمین حمایت ها از طریق اجرای پروژه های کوچک و برآورده نمودن مهمترین نیازهای انسانی بود. در این دوره مقرر شده بود که زنان از مزایای برنامه های رفاهی برخوردار شوند. فائق آمدن در نابرابری های جاری هدف اصلی برنامه ها و پروژه های اصلی توسعه شده بود. اما این نگرش امروزه دستخوش تغییراتی شده است و دیگر زنان تنها دریافت کنندگان کمک محسوب نمی شود، بلکه خود نقش مشارکت را به عهده دارند (شادی طلب، ۱۳۷۵: ۴۴).

همه این موارد بیانگر این است که تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطح کشور صورت گرفته و گرایش ورود زنان به بازار کار تغییر یافته است. بنابراین انتظار می رود با ادامه این روند در آینده میزان ورود زنان به بازار کار و افزایش مشارکت زنان در عرصه های مختلف خصوصاً در عرصه اقتصادی روبه افزایش باشد و تفاوت های میان زنان و مردان در این حوزه به نحو متناسبی کاهش یابد. البته در آمدی که از کار به دست می آید برای زن مهم است و اهمیت این درآمد در زنان مجرد، زنان سرپرست خانوار و زنان خانواده های تنگ دست دو چندان می شود. درآمد اقتصادی ناشی از شغل برای زنان باعث برخورداری توان اقتصادی بیشتر است (آبوت و والاس، ۱۳۸۸: ۱۸۹). انگلس و مارکس پیش بینی می کردند که کار با حقوق با رهنیدن زنان از وابستگی اقتصادی به شوهر و نیز از نقش زن خانه دار در خانواده آنان را آزاد

می‌کند. همچنین زنی که بیرون از خانه کار می‌کند در نهایت باید با تناقض میان نیازهای این نقش و ملزومات ایفای نقش زن خانه دار و نقش خانوادگی خود رو به رو شود و حاصل آن افزایش توقع دیگران از او و فزونی انتقاد از نقش سنتی اوست (گرت، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

بنابراین پیداست که تحولات در نقش زنان به سایر بخش‌های جامعه سرایت کرده و امروزی نقش‌های پیچیده و جدیدی در حال شکل‌گیری هستند که در آن تفاوت‌های جنسیتی قدری کمرنگ‌تر از گذشته است. نمود بارز این مساله حضور گسترده زنان اولاً در محافل دانشگاهی و تحصیلات عالی و به دنبال آن در بازار کار است. این پژوهش در نظر دارد تحلیلی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گزینش شغل زنان در بیرون از خانه به روش کمی تحلیل و بررسی کند و نقش اثرگذار هر یک از این عوامل را برجسته کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اشتغال خانگی زنان که در آن، کار غیر دستمزدی برای خانواده وجود دارد، از مباحث با اهمیتی است که نباید بدان بی‌توجه بود. این شیوه تولید خانگی در نهاد اجتماعی ازدواج جای دارد و از طریق ازدواج است که کار خانگی زنان توسط مردان مورد تملک قرار می‌گیرد. زنان در اشتغال خانگی مزدی ثابت در برابر ساعت کار خود دریافت نمی‌کنند و حتی زنان متأهل شاغل نیز عهده‌دار کودکان و کار خانگی هستند. با این وجود ازدواج به زنان شرایطی برای انتخاب شغل در بیرون از خانه یا خانه را می‌دهد. بنابراین، نوع نگاه به اشتغال زنان چه در خانه و چه در بیرون از خانه همواره از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت بوده است. همچنین ابعاد اشتغال زن و یا مادر از عواملی منشأ می‌گیرد که خود در هر جامعه و با توجه به ارزش‌های حاکم بر آن، شبکه‌ای متمایز تشکیل می‌دهد. بررسی‌هایی که در جوامع صنعتی در این مورد صورت گرفته است، حکایت از تنوع عوامل و مخصوصاً پیدایی عوامل روانی و خواستی در برابر نیاز مادی می‌نماید. یکی از انگیزه‌های زنان شوهر دار برای قبول شغل که از همه شایع‌تر است، میل شخصی زنان به گریختن از محیط به اصطلاح خسته‌کننده و کسالت‌آور خانه است (ساروخانی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

امروزه حضور جدی زنان در فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار، همراه با روند تکامل اشتغال آنها، تغییرات بنیادینی در نقش سنتی ایشان به وجود آورده است. تغییر نقش سنتی زنان بدیهی است که در کشورهای در حال توسعه یا کم توسعه یافته از اهمیت خاصی برخوردار باشد، چرا که در اغلب این کشورها استفاده از نیروی زن متخصص پدیده‌ای نسبتاً جدید است. این امر روند تاریخی جامعه بشری را در آستانه تحولی بس عظیم قرار داده است، چنانچه باعث شده جوامع و فرهنگ‌های سنتی نیز به تغییر طرز تلقی خود نسبت به نقش زن ملزم شوند. بدیهی است که در کشورهای مختلف نگرش‌ها و برداشت‌های متفاوت و حتی مقاومت‌های فرهنگی نسبت به کار زن در بیرون از خانه وجود داشته است. گرچه جوامع سنتی نیز در برابر پدیده فن آوری جدید و به دلیل سهولت ارتباط میان جوامع شدیداً در معرض تحول و دگرگونی قرار گرفته‌اند، اما اگر میزان اشتغال زنان به عنوان یک شاخص بررسی توسعه تلقی شود، کاملاً قابل توجیه است. زیرا شاخص اشتغال زنان نهایتاً نمایانگر میزان تساهل فرهنگی و درجه نو شدن آن جامعه است (جزنی، ۱۳۸۴: ۹۴).

از اهمیت‌های علمی این پژوهش ارایه رویکردی علمی در مورد گزینش‌های شغلی زنان در جامعه است. روشن شدن جنبه‌های نظری موجود در نحوه گزینش شغلی زنان باعث می‌شود تا سیاست‌های علمی مورد تایید در این زمینه در سایر عرصه‌ها نیز به کار گرفته شود. برای مثال یافتن رویکرد پژوهشی و نظری مناسب در این راستا به توسعه دانش نظری در بازار اشتغال نیز کمک خواهد کرد. همچنین در بحث کاربردی نیز نتایج این پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که با یافته‌های این بررسی راهکارهایی به دست می‌آید که با ارایه آنها به برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی زمینه را برای سیاستگذاری‌های متناسب شغلی در جامعه ایجاد می‌کند.

اهداف پژوهش

- بررسی رابطه بین عامل قدرت در گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل
- بررسی رابطه بین عامل اقتصاد خانواده در گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل
- بررسی رابطه بین عامل جامعه‌پذیری در گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل

- بررسی رابطه بین عامل روانشناختی در گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل

ادبیات نظری پژوهش

فرایندهای تاریخی اشتغال زنان

پدیده اشتغال و کار زنان از ابتدای زندگی اجتماعی بشر وجود داشته، ولی در فراز و نشیب‌هایی قرار گرفته است. هر آنجا که به زنان اجازه دادند، توانمندیشان وی در شغل‌های مختلف با حفظ کیان خانواده نمایان شد و هر آنجا که موانع و پیش شرط‌هایی را گذاشتند مبارزه جهت گرفتن حق و حقوق خود داشته‌اند. ولی از آنجا که همه پویایی‌های اشتغال زنان در تاریخ ثبت نشده است، بیشتر به پایگاه‌های احراز شده زنان به عنوان سند معتبر اکتفا می‌شود. در دهه اخیر تبعیض‌های وارد شده در طول تاریخ را در مقوله جنسیت تعریف می‌کنند و در این جا جنبه‌های مختلف کار اعم از نابرابری، عدم رضایت، سرکوب شدن‌ها را در مقابل عدالت، برابری، رضایت و انگیزه و نیاز به موفقیت قرار می‌دهند. سرمایه داری، استثمار نو، مفاهیم جنسیت و توسعه را به ارمغان می‌آورد که مرد سالاری نامرئی را در بازار کار توسعه می‌دهد. چرا که از یک طرف به زنان اجازه کسب علم را می‌دهد از طرف دیگر موانعی را در مقابل آنها می‌گذارد که این امر در کشورهای توسعه یافته به مراتب بالاتر از کشورهای در حال توسعه است (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۲۹) و این روند جهت انقیاد زنان بخصوص در مورد کار و اشتغال در جهان حاکم بوده است. در نتیجه صرفنظر از عوامل توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، باید جایگاه اشتغال زنان را با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه تعیین کرد.

پدیده اشتغال و کار از ابتدای زندگی بشر مورد توجه بوده است. هر یک از اندیشمندان به نوعی درباره این مسأله سخن گفته‌اند. اشتغال زنان همراه با مردان در مزارع و در خانه، امری عادی تلقی می‌شد. هر چند تفکیک نقش‌ها و وظایف جزء اصلی محسوب می‌گردید. جامعه شناسان و روان شناسان، در قرون اخیر، نظرات متفاوتی راجع به کار ارائه نموده‌اند. جنبه‌های مختلف کار اعم از نابرابری در کار، رضایت شغلی، انگیزه کار و بالا بردن بهره‌وری سازمان‌های کاری و غیره تحقیقاتی انجام داده‌اند. با آنکه زنان نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی دارند ولی کمتر از آنان سخن به میان می‌آورند، تنها آنجا که از مشاغل

ثانوی، تخصص کمتر، دستمزد پایین و آینده نامعلوم صحبت می شود، وجود زنان مطرح می گردد.

- ورود زنان به عرصه عمومی

حضور زنان در عرصه عمومی و ورود آنان به فعالیت های مختلف اقتصادی و اجتماعی نزدیک به دو سده است که موضوع بحث جدی سنت گرایان و نوگرایان که خواهان تداوم و یا تغییر وضعیت تاریخی زنان بوده اند، است. اما در این میان به نظر می رسد که تغییرات اجتماعی صورت گرفته در ایران کفه ترازو را به نفع خروج زن از خانه و گسترش فعالیت های اجتماعی وی و میل به برابری حقوقی و اجتماعی با مردان سنگین تر کرده است (ربیعی، ۱۳۸۵: ۲۳۱). نادیده انگاشتن شرایط تاریخی زن و نظام باورها و اعتقادات فرد ایرانی که زن را در یک قالب خاصی درک می کند و عدم توجه به دگرگونی طبیعی وضعیت زنان در جامعه که محصول مدرن شدن جامعه و گسترش و تعمیق فرآیندهای جهانی شدن است، هر یک می تواند در برخورد با مسأله زنان شرایط را از آنچه که هست نامساعدتر کند و بخش بزرگی از نیرو و انرژی بانوان که نیمی از جمعیت کل کشور را تشکیل می دهند، به هدر دهد.

نگاهی گذرا به تاریخ اشتغال زنان نشان می دهد که در دوران شکار زنان مشارکتی همپای مردان داشته اند (سفیری، ۱۳۷۷: ۶۹). با پیشرفت زندگی گروهی و اجتماعی در این دوران، انجام کارهای دیگری نظیر تدارک مراسم جشن ها و سوگواری ها، مامایی و.. نیز توسط زنان صورت می گرفت. با ورود صنعت و مکانیزه شدن کشاورزی و کاربرد علوم جدید در کشاورزی، زنان به حاشیه رانده شدند. آنها نتوانستند متناسب با پیشرفت های فناوری، آموزش دیده و فعالیتهای خود را با این شیوه جدید منطبق نمایند. مسئولیتهای خانگی (کارهای خانه، زایمان، بچه داری و..) مانع آن بود که زنان بتوانند بیرون از خانه، به کارهای جدید که پیامد دوران صنعتی بود، بپردازند. بدین ترتیب تفکیک قابل توجهی در وضعیت زندگی اجتماعی پدید آمد، کار خانگی از کار درآمدزا که در بیرون از خانه، عمدتاً قابل انجام بود، جدا شد.

پیشرفت های فن آوری در طول این سالها نه تنها فرصت اشتغال زنان را محدود کرد، بلکه آنها را به سمت مشاغل پایین که به مهارت کمی نیاز داشته و دارای ارزش اجتماعی کمتری نیز بودند سوق داد. به مرور فعالیتهای عمده زنان در یکسری مشاغل خاص که مشاغل «زنانه»

نامیده شد متمرکز گردید. این مشاغل دارای ویژگی‌هایی نظیر دستمزد پایین، مهارت کم، و ثبات پایین کار شغلی است. بدین ترتیب تفکیک دو عرصه خصوصی و عمومی کار و صنعتی شدن، قشری را پدید آورد که «خانه دار» نامیده شدند (سفیری، ۱۳۷۷: ۷۸).

- ورود به کار

یکی از مهمترین مشکلات زنان جوای کار ورود به بازارهای شغلی است. در بسیاری از کشورهای دنیا معیارهای استخدامی متفاوت برای زنان و مردان وجود دارد. در برخی از مواقع که منع قانونی برای استخدام زنان وجود ندارد، باورهای کارفرمایان مبتنی بر پایین بودن کارایی زنان نسبت به مردان، شرایط استخدام آنان را سخت می‌کند. در حالی که اگر استخدام بر اساس توانایی‌ها و دستاوردهای تحصیلی و آموزشی باشد در موارد عدیده ای توانایی‌های زنان بیش از مردان است (گزارش جهانی اشتغال، ۱۹۹۸: ۲۳). کارفرمایان تنها زمانی زنان و بویژه دختران مجرد را به مردان ترجیح می‌دهند که می‌خواهند از طریق مزد کمتر هزینه‌های خود را کاهش داده و نیرویی مطیع و منظم در کار وارد کنند که در شرایط لازم (رکود و...) نیز بتوانند بسادگی آنها را اخراج نمایند. دورکیم جامعه‌شناس شهیر فرانسوی بر این باور است که زنان در گذشته دور تاریخی آن موجود ضعیفی نیست که بعدها به تصویر کشیده شد، بلکه دوشادوش مردان به کار و فعالیت می‌پرداختند (دورکیم، ۱۳۸۱: ۵۸).

این همراهی با مردان در فعالیتهای اقتصادی را به خوبی می‌توان در میان بومیان نجد ایران در پیش از ورود آریایی‌ها به این منطقه دید به نحوی که زن به خاطر پیشگامی‌اش در کشاورزی و تهیه سفال از موقعیت ممتازی برخوردار بود و این برتری حتی در باورهای مذهبی ایرانیان ما قبل تاریخ بازتاب پیدا کرد، چرا که جهان را آفریده یک رب النوع می‌دانستند و بر این باور بودند که منبع حیات مؤنث است و نه مذکر، چرا که باید از ویژگی باروری و زاینده‌گی برخوردار باشد (گیرشمن، ۱۳۸۴: ۵۱-۳۲). بنابراین می‌توان گفت ورود زنان به بازار کار در ایران روندی متفاوت و متأثر شرایط تاریخی کشور داشته است که به صورت اختصار به آن اشاره می‌شود.

– دوره باستان

با ورود اقوام آریایی از هزاره دوم پیش از میلاد به نجد ایران و یکجا نشین شدن تدریجی آنان ملاحظه می‌شود که با پیچیده تر شدن تقسیم کار اجتماعی که رنگ و بوی جنسی آن قوی تر بوده (به خاطر پیدایش شهر و لزوم تشکیل نیروی نظامی دائمی) زنان رفته رفته وظایف مشخصی که صبغه اصلی آن تدبیر منزل بوده بر عهده می‌گیرند و فضای اجتماعی مردانه می‌شود. اگر چه زنان در کوچه خیابان‌ها حضور دارند اما به لحاظ قدرت اجتماعی و مالکیت اقتصادی در جایگاه فرودست تری قرار می‌گیرند (ربیعی، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

با نزدیک شدن به قرن پنجم پیش از میلاد که زمینه ظهور هخامنشیان فراهم می‌شود مشاهده می‌کنیم که اجتماع عشایری رفته رفته به سمت شهری شدن و نیل به مدنیت سیر می‌کند. در این دوره تقسیم بندی نظامیان، روحانیان و حاکمان که در ایل موجود بود شکل رسمیت‌تری به خود می‌گیرد و تقسیمات اجتماعی به سمت طبقاتی شدن می‌رود که در عهد ساسانیان ما با جامعه ای شبه کاستی روبرو می‌شویم. در زمان هخامنشیان و اشکانیان بر اساس نقوش بجای مانده، زنان ایرانی کاملاً بدون حجاب بوده و سر و گردن آنها کاملاً پیدا است. در دوره اشکانیان نیز زنان پیراهن بلندی بر تن می‌کردند که معمولاً تا سر زانو می‌رسید. در دوره ساسانیان زنان اشراف به خاطر محکم تر و بارزتر شدن خطوط طبقاتی، از آمیختن با مردم فاصله گرفته و حتی در موقع خروج از منزل و یا قصرهای شان در پشت پرده و حجاب پا به بیرون می‌نهادند و با مردان غریبه و دون تر از خود هم صحبت نمی‌شدند. در این دوره و در دوره‌های قبلی، زنان دوشادوش مردان به کار و فعالیت مشغول بودند و حتی در دوره ساسانیان به خاطر اینکه وضع اقتصادی اجازه چند زنی را به مردان نمی‌داد، مردان به یک زن اکتفا می‌کردند (راوندی، ۱۳۵۷: ۶۲۶) و همین باعث وجود روابط نسبتاً متعادل تری بین زن و مرد می‌شد. البته لازم به ذکر است که خانواده ایرانی پیش از اسلام خانواده ای پدرسالار بود که اقتدار مرد امری مسلم و فصل الخطاب همه امور منزل بوده است (شعبانی، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

اگر چه به گفته کریستن سن در اواخر دوران ساسانیان زنان در موقعیتی قرار داشتند که در آستانه تحصیل حقوق اجتماعی بیشتری بودند (راوندی، ۱۳۵۷: ۶۲۷) لیکن به صورت نانوشته

عملاً از رسیدن به بسیاری از مناصب و موقعیت‌های ممتاز اجتماعی محروم بودند و پس از ورود اسلام به ایران بر اثر تحولات بوجود آمده، محرومیت آنان افزون تر شد.

- دوره ورود اسلام

اسلام در بدو پیدایش اش در شبه جزیره عربستان بسیاری از حقوق اجتماعی زنان را به رسمیت شناخت و آنرا قانونمند کرد. اسلام در مواجهه با زن و مرد هنگامی که به جنبه وجودی و بعد انسانی آنان توجه می‌کند، هر دو را کاملاً برابر می‌بیند، لیکن در حقوق اجتماعی به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط اجتماعی آن دوره زنان در مواردی از قبیل حق ارث، چند همسری بودن، شهادت، دیه و غیره امتیازات کمتری را به خود اختصاص می‌دهند. پس از رحلت پیامبر تحت تاثیر روحیه مردسالار عرب که فقه و تفسیر را در دست گرفتند وضعیت زنان دوباره به قهقرا گرایید و زن خانه نشین شد و حتی مسجد زن را خانه اش معرفی کردند (مرنیسی، ۱۳۸۰: ۲۹۹).

جامعه ایرانی که در پایان دوره ساسانی زنان مشخص را در پرده کرده و خطوط طبقاتی را استوارتر کرده بود، عناصر فرهنگ مردسالار عرب و باورها و ارزش‌های سنتی افزون شده بر اسلام را نیز بر فرهنگ خود افزود. اگر چه پرده نشینی طبقات ممتاز عهد ساسانی تثبیت شد، لیکن پذیرش حجاب، زنان طبقات پایین تر را دست کم برای انجام داد و ستد و خرید روزانه از حضور در کوچه خیابان‌ها محروم ساخت.

پس از فروپاشی سلسله ساسانی، در درون مرزهای طبیعی ایران نزدیک به یکصد و پنجاه خاندان به استقلال یا نیمه استقلال بر ایران حکومت کردند (مرنیسی، ۱۳۸۰: ۳۰۰) و حیات اجتماعی همواره دستخوش دگرگونی و بی ثباتی بوده، سایه ناامنی بر سر جان و مال و ناموس ایرانیان سنگینی می‌کرد.

با بررسی دوره‌های مختلف تاریخی ملاحظه می‌کنیم که اغلب اقوام مهاجم به ایران با داشتن سابقه شبانکارگی و شیوه تولید عشایری زنان شان از آزادی عمل بیشتری نسبت به زنان ایرانی برخوردار بوده اند، ولی پس از استقرار در ایران و مسلمان شدن و رنگ و بوی ایرانی به خود گرفتن، زنان آنان نیز کم کم در حجاب و پرده نشینی فرو رفته و کم شدن روابط آنها با مردان و محرومیت از حضور آزادانه در جامعه شدت بیشتری می‌یابد (ربیعی، ۱۳۸۵: ۲۳۴).

این روند را به خوبی می توان در مورد زنان سلجوقی و مغولی مشاهده کرد که پیش از درگیر شدن در حیات شهری و گرویدن به اسلام، دوشادوش مردان در میدان‌های رزم حاضر می شدند و در زندگی چادرنشینی بدون چادر در کنار مردان به کار و فعالیت مشغول بودند، لیکن پس از استقرار در ایران با کنار نهادن عادات دیرین خود تحت تاثیر فرهنگ ایرانی به پوشیدن حجاب و ماندن در خانه روی آوردند (مرنیسی، ۱۳۸۰: ۶۹۹).

با روی کار آمدن حکومت صفوی که احکام شرعی را با شدت و حدت بیشتری در سطح جامعه به اجرا گذاردند و در شرایط پدید آمده پس از آنان که ایران کمتر روی خوش به خود دید و لوطیان و اوباش و ارادل در کوی و برزن برای زنان مزاحمت ایجاد نموده و خود پادشاهان نیز به به گسترش حرمسراهای خود پرداخته و گاه گذاری از جانب والیان خود که قصد خود شیرینی داشتند، زنان زیباروی هدیه می گرفتند، ملاحظه می شود که روز به روز زنان به خاطر عناصر ناآمنی و مردانه شدن صنعت و تجارت به کنج خانه می روند و خانه‌ها نیز اندرونی و بیرونی پیدا می کنند و حتی رنگ چادر وی که تمام سر و صورت اش را می پوشاند و در دوره شاه صفی سفید رنگ بود به رنگ سیاه و بنفش دوره فتحعلی شاه تغییر می یابد (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۲۴۷).

- دوره معاصر

در پایان حکومت قاجار و در دوران مشروطیت بر اثر تماس بیشتر ایران با غرب و ورود ارزش‌ها و نگرش‌های جدید که بر لزوم برخورداری زنان از تحصیل و سواد تأکید می کنند، با تأسیس مدارس دخترانه که در ابتدا به شدت با وجود آنها مخالفت می شد، زنان طبقه متوسط و اعیان و زنان قاجار برای تدریس و گرداندن امور مدارس دخترانه وارد بازار کار می شوند و در حقیقت نخستین گام در جهت ورود مجدد زنان به عرصه عمومی فراهم می شود. در این دوره گروهی از زنان مانند صدیقه دولت آبادی به انتشار روزنامه‌هایی به نام بانوان اقدام می کنند و حتی بر اثر شرایط پدید آمده پس از جنگ جهانی اول گروهی از زنان را سازماندهی می کنند و وارد فعالیت اقتصادی می نمایند؛ در سال ۱۳۲۷ قمری نیز برای نخستین بار یک زن ارمنی ایرانی جلوی چشم تماشاگران تئاتر مرد روی صحنه به اجرای نمایش

می‌پردازد و علی‌رغم مخالفت‌های صورت گرفته بعدها این حرکت توسط زنان مسلمان پی گرفته می‌شود (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۱۴۴-۱۳۸).

تغییرات یاد شده در وضعیت زنان و پیدایی حداقل‌هایی از جنبش زنان در این دوره اگر چه ارزشمند و قابل توجه بود لیکن نتوانست در وضعیت عمومی زنان تغییری جدی پدید آورد (ربیعی، ۱۳۸۵: ۲۳۶). رضاشاه که زمینه برچیده شدن حکومت قاجار را فراهم کرد در آستانه به قدرت رسیدن، جهت کسب وجهه عمومی دو آرزوی بزرگ اش را دست‌یابی به صلح و امنیت برای مردم و اجرای شرع مقدس اسلام عنوان کرد و زنان را به رعایت عفت عمومی توصیه نمود (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۱۶۸). اما در میانه دوره زمامداری خود و پس از بازگشت از سفر ترکیه اقدام به کشف حجاب و مدرنیزه کردن جامعه و فرهنگ کرد. از جمله اقدامات رضاشاه که توانست بخشی از زنان را وارد عرصه عمومی جامعه کند، پشتیبانی وی از تشکیل مدارس دخترانه و گسترش سوادآموزی بانوان بود. وی که جنبش زنان را به شدت مهار و کنترل کرد و هر نوع حرکتی خارج از چارچوب دولت را ممنوع ساخت به انجام اصلاحاتی در زمینه بهبود وضعیت زنان اقدام کرد (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۹۷).

از دیگر اقدامات رضاشاه در هم‌ریختن کانون لوطیان در اطراف شهر تهران بود که کوچه خیابان‌ها را برای تردد زنان امن‌تر کرد. در زمان رضاشاه با گسترش کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی و کارگاه‌های کوچک‌کالی بافی نزدیک به ۸۰ هزار زن در صنایع و تعداد نامعلومی در ادارات و مغازه‌ها مشغول به کار شدند (فوران، ۱۳۸۰: ۳۳۹) و برای نخستین بار در طول سده‌های گذشته زنان به صورت جدی به کار و فعالیت بیرون از خانه پرداختند و انحصار طبقاتی اشتغال زنان شهری نیز شکسته شد. البته هنوز بخش اعظم جمعیت زنان کشور از اصلاحات یاد شده بهره‌چندانی نبرده بود. علاوه بر آن، گروه‌های سنتی جامعه که بخش بزرگتر از جمعیت را به خود اختصاص می‌دادند با اقدامات رضاشاه بویژه در حوزه حجاب و سایر امور مذهبی مخالف بوده و علیه وی جبهه‌گیری کرده بودند (ربیعی، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

در دوره محمدرضاشاه با تشکیل "سازمان زنان ایران" به ریاست اشرف پهلوی در سال ۱۳۴۷ تلاش شد تا با ادامه روند سرکوبی جنبش زنان که در دوران مشروطه توانسته بود خارج از چارچوب حکومت مطالباتی را در سطح جامعه مطرح سازد، همه امور مربوط به زنان و

تمامی تشکل‌ها دولتی شود (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۲۵). بنابراین در این زمان بر تعداد زنان در نیروی کار افزوده شد و اقتصاد خانواده و پیدا شدن فرصت‌های شغلی جدید، بر مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی افزود. در سال ۱۳۵۳ شمسی، ۱.۴ میلیون زن رسماً در ایران کار می‌کردند که از این میان ۶۴ درصد در صنعت، ۲۲ درصد در خدمات و ۱۱ درصد در کشاورزی فعالیت داشتند. البته در روستاها تعداد زنانی که شاغل بودند به مراتب بیش از این ارقام رسمی بود و ۷۲ درصد قالی بافان زن بودند (فوران، ۱۳۸۰: ۵۰۲).

- انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی فرصت بسیار خوبی بود تا زنان مذهبی جامعه ایرانی و بویژه زنان طبقات متوسط سنتی و پایین جامعه که بر اثر اقدامات نوگرایانه شاه فضای بیرون از منزل را به لحاظ اخلاقی تهدید کننده می‌دیدند، با پیام امام خمینی مبنی بر لزوم حضور آنان در صحنه انقلاب با همان پوشش سنتی خود یعنی چادر به خیابان‌ها بریزند و در راه پیمایی‌ها در کنار مردان بایستند. انقلاب اسلامی را از شاید از جهتی بتوان واکنشی در راستای ترمیم شکاف افتاده میان حوزه فرهنگ با حوزه اقتصاد و تا حدودی جامعه قلمداد کرد. در حقیقت لازم بود تا به عناصر بومی در فرآیند توسعه بیشتر توجه شود. اگر چه در اسفند ۱۳۵۹ شمسی حجاب در کشور اجباری شد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۶۹-۶۶) و این مسأله برای برخی زنان مشکل ایجاد کرد و همچنین جنبش زنان که در فرآیند انقلاب فعال شده بود دوباره به خاموشی گرایید، اما ملاحظه می‌شود که بر خلاف قانون مصوب سال ۱۳۵۲ که زنان را به عدم داشتن حجاب در مدارس دخترانه و در ادارات دولتی ملزم می‌ساخت و از این طریق حضور زنان را در این اماکن با مشکلاتی مواجه ساخت، تصویب قانون حجاب در بعد از انقلاب هیچ گروهی را از حضور در جامعه محروم ناساخت، بلکه زنان محروم شده پیشین را به صحنه آورد. دوره جنگ هشت ساله نیز عامل تداوم حضور جدی زنان در صحنه بود. بخشی از زنان در قالب پایگاه‌های مقاومت بسیج پشت صحنه جبهه‌ها را همواره فعال نگه داشتند و در برپایی تدارکات جبهه همیاری کردند. در این دوره نهضت سوادآموزی فعال شد و جهاد سازندگی با رفتن به دورافتاده‌ترین روستاها در دادن آموزش‌های لازم به زنان در جهت توانمندسازی آنان نقش چشمگیری ایفا کرد و در ارتقای سطح سواد و بهداشت آنان سهم بزرگی را به خود اختصاص داد (ریعی،

۱۳۸۵: ۲۳۸). در این مورد که زنان در جامعه و همچنین زندگی اقتصادی مهمترین نقش را دارند، همیشه اتفاق نظر وجود داشته است. با این وجود، نقش زنان نه تنها به وسیله نظام اقتصادی، بلکه به وسیله عوامل فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نزدیک به پنجاه درصد جمعیت فعال اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند، در حالی که میزان فعالیت زنان در کشورهای در حال توسعه کمتر است. نقش زنان در بازار کار ایران نیاز به بررسی از جنبه‌های مختلف به ویژه توسعه منابع انسانی، ارزش‌های اجتماعی، شرایط خانوادگی و سیاست‌های اشتغال دارد (زراء و منتظر حجت، ۱۳۸۴: ۸۲).

هم اکنون ملاحظه می‌شود که با گسترش استفاده از اینترنت و وسایل ارتباط جمعی که جامعه جهانی را به دهکده‌ای تبدیل کرده، زنان ایرانی به شدت از حضور فعال زنان در کشورهای پیشرفته جهان متأثر بوده و از دریچه فیلم‌های سینمایی غربی در دسترس و یا پخش شده از تلویزیون داخلی خود را با زنان سایر کشورها مقایسه می‌کنند. در حال حاضر می‌توان دید که در پرتو گسترش آموزش همگانی و تحصیلات عالی دختران که در این زمینه از پسران سبقت گرفته و حدود ۶۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، سقف مطالبات بانوان بالا رفته و کم‌کم کلیشه‌های جنسیتی که در زندگی روزمره به فرزندان آموزش داده می‌شد در حال ضعیف شدن هستند (اعزاز، ۱۳۸۳).

در حال حاضر یکی از شرط‌های دختران تحصیل‌کرده در هنگام ثبت عقد ازدواج خود، برخورداری از حق اشتغال بیرون از خانه است که در کنار گسترش آموزش عالی و حتی گرایش زنان به مشاغل خدماتی و لو با دستمزدهای بسیار پایین می‌تواند نشانگر مورد پذیرش واقع شدن زن در عرصه عمومی و تغییر تدریجی فرهنگ مردسالار و البته محصول مقاومت اجتماعی زنان که در این زمینه هنوز در جریان است، باشد. اگر چه تا رسیدن زنان به جایگاه مطلوب راه زیادی مانده اما بازخوانی تاریخ اجتماعی زن ایرانی وی مقایسه وضعیت فعلی وی با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که زنان ایرانی مسیر درستی را در پیش گرفته‌اند که به ورود آنان به عرصه عمومی و تبدیل شدن شان به یک بازیگر اصلی یاری می‌رساند (ربیعی، ۱۳۸۵: ۲۳۹).

چهارچوب نظری پژوهش

در طول تاریخ و به سبب طبیعی بودن زایش و باروری در زنان، نقش مادری، همسری و به تبع آن انجام امور مربوط به خانه برای زنان طبیعی تلقی شده است. در دهه‌های اخیر و بالا گرفتن بحث مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف، بحث نقش‌های چندگانه همسری، مادری و شغلی صورتی دیگر گرفته و به شکل جدی تری مطرح شده است. جامعه‌شناسان و نظریه پردازان زیادی به این موضوع پرداخته و به جنبه‌های مثبت و منفی آن توجه نموده‌اند. جامعه‌شناسان فونکسیونالیست، نقش اساسی زنان را در جامعه، برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزند زایی دانسته و با هر تغییری در این نقش‌ها مخالفند. پارسونز، در نظریه تفکیک نقش‌ها با این تصور که اشتغال زن، نظام خانواده را در معرض خطر قرار می‌دهد، اشتغال زنان را نکوهش کرده و معتقد است که، در نظام خانواده، مرد رئیس و نان آور خانواده و زن نقش کدبانو را ایفا می‌کند. به اعتقاد وی، تغییر در فرصت‌های شغلی و ایجاد برابری زنان با مردان موجب از هم پاشیدگی ساخت خانواده خواهد شد و کارکردهای جامعه کنونی را بر هم خواهد زد (ترنر، ۱۳۷۳).

بارنت نیز از نظریه پردازانی است که معتقد است ایفای چند نقش عمده به صورت همزمان، موجب زایل شدن انرژی محدود فرد شده و در نتیجه زنان در پاسخگویی به انتظارها و نیازهای هر دو نقش (خانوادگی و شغلی) - که هر دو مستلزم توان پاسخگویی بالا هستند - با کمبود انرژی و در نتیجه ضعف و ناتوانی روبه رو می‌گردند. در مقابل فرضیه‌ها و نظریه‌های مخالف اشتغال زنان، فرضیه‌های موافق نیز وجود دارد. بر اساس فرضیه اعتلای نقش چه در مورد زنان و چه در مورد مردان، مشارکت فرد در فعالیت‌های ارزشمند اجتماعی، زمینه‌های ارتقای وضع سلامت فرد را فراهم می‌آورد.

از آنجا که ازدواج (ایفای نقش همسری)، مادر یا پدر بودن (نقش والدین) و اشتغال به کار (نقش شغلی)، هر یک از نظر ارزشمندی جایگاه اجتماعی در رده بالایی قرار دارند، هر کس این گونه نقش‌ها را بیشتر بر عهده داشته باشد از سلامت بیشتری برخوردار خواهد بود. از نظر زیبر، اشتغال موجب افزایش عزت نفس در زنان می‌شود و می‌تواند آن‌ها را از پرداختن صرف

به امور خانه داری که بعضاً کسل کننده بوده و در نظر آن‌ها ارج و قرب کمتری دارد، رهایی بخشد (احمدنیا، ۱۳۸۰).

اکثر نظریه پردازان ستیز اهمیت ویژه ای را برای اشتغال زنان قائل شده اند. انگلس، اشتغال و تحصیلات را دو عامل اساسی و رهایی بخش برای زنان می‌دانست. کالینز هم اشتغال زنان را از عوامل مهمی دانسته که زنان به واسطه آن می‌توانند نقش مؤثرتری را در خانواده ایفا نمایند. به عبارتی باید اشتغال زنان را به عنوان یکی از منابعی به شمار آورد که موجب افزایش قدرت و نفوذ زنان و ارتقای جایگاه آنان در جامعه می‌گردد. از سوی دیگر فمینیست‌ها معتقدند، مردان برای حذف زنان از اغلب مشاغل با هم متحد شده اند تا آسوده خاطر باشند که زن در حرفه‌هایی که به او محول گردیده دستمزد کمتری دریافت می‌کند و همچنان مجبور به اتکا به مرد در درون خانواده باشد. فمینیست‌های مارکسیست تأکید می‌کنند که استعمار زنان در خانواده در خدمت منافع سرمایه داری می‌باشد. آنها اظهار داشته اند که خانواده نیازهای جامعه سرمایه داری را برآورده می‌کند، یعنی خانواده با کمک به بقای نظام سرمایه داری در خدمت منافع طبقه حاکم است (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۵۷). زنان نه تنها کارگران نسل آینده را به دنیا آورده، بلکه خدمات خانگی را برای مردان در نیروی کار فراهم می‌آورند. لذا طرفداران نظام سرمایه داری و اعضای مرد طبقه کارگر، هر دو از این ترتیب اجتماعی سود می‌برند. جدایی شغلی - جنسی، نخستین روشی است که در آن برتری مردان نسبت به زنان در یک جامعه سرمایه داری حفظ می‌شود

زنان در مشاغل کم درآمد که آن‌ها را به مردان و به ازدواج وابسته می‌نماید جایگزین گردانیده اند، لذا مردان هم از دستمزدهای بالاتر و هم تقسیم کار خانگی بهره مند می‌گردند. این تقسیم کار خانگی به نوبه خود موقعیت زنان را در بازار کار تضعیف نموده و سود سرمایه را افزایش می‌دهد لذا کار خانگی موجب کاهش ارزش قدرت کار زنان گردیده و هم موقعیت آنها را در بازار کار تضعیف نموده و موجب دستمزد پایین و ایجاد شرایط پست برای آنان می‌گردد (مقدم، ۱۹۹۰: ۲۴).

انقلاب صنعتی موجب وقوع دگرگونی‌هایی شد؛ اما این دگرگونی‌ها نوع کار زنان و همچنین زمینه ای را که این نوع کارها در آن انجام می‌شد، چندان تغییر نداد. زنان از نظر

اقتصادی به دستمزد شوهرانشان وابسته شدند و دیگر بر منابع اقتصادی کنترل مستقیم نداشتند (آبوت و والاس، ۱۶۱: ۱۳۸۰). روند رو به افزایش شمار زنانی که وارد نیروی کار می‌شوند، اثری آشکار بر فعالیت‌های خانگی داشته است. زنان متأهلی که در بیرون از خانه اشتغال دارند، کمتر از دیگران به انجام امور مربوط به خانه می‌پردازد و اگرچه آن‌ها تقریباً همیشه بار اصلی مسئولیت مراقبت از خانه را به عهده دارند، بدیهی است الگوی فعالیت آن‌ها تا اندازه‌ای متفاوت است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۹۶).

فمینیست‌ها معتقدند که زنان باید خود را به عنوان موجوداتی بشناسند که بدون پذیرش محدودیت‌هایی که به طور سنتی از سوی مردان به آن‌ها تحمیل می‌شود، حق شکوفایی تمامی وجود شخصیت خود را دارند این مفهومی انقلابی برای افرادی است که در طی قرون، تحت فشار رسوم، قوانین، کلیسا و فلسفه‌های مردانه در کل به عنوان نقش‌های سنتی تلقی می‌شده‌اند و هرگز به عنوان انسان‌ها آزاد و خلاق قلمداد نشده‌اند. این بدان معنا نیست که زنان حق ندارند همسر و مادر باشند، بلکه آن‌ها نباید خود را در قالب این نقش‌ها محدود کرده و ایفای نقش‌های دیگر را به بهانه تصویر تحمیل شده زنانگی برای خود ممنوع نمایند. (میشل، ۱۳۷۲: ۱۳۱).

دیدگاه کارکردی معتقد است که هر پدیده اجتماعی کارکرد معینی را بر عهده دارد که به نحوی در دوام و بقای جامعه موثر است، دیدگاه کارکردی همچنین به شدت روی تعادل و نظم اجتماعی تاکید می‌کند و هر عنصری که در تقویت این نظم موثر و مفید باشد نزد آنان دارای کارکرد مثبت و در غیراینصورت کارکردی منفی و نامناسب برای سیستم خواهد داشت. براساس این دیدگاه، آگاهی از حقوق زناشویی می‌باید برای خانواده کارکرد داشته باشد و به نوعی در نحوه عملکرد و وظایف زوجین نقش داشته باشد. اما پارسونز در دیدگاه کنش خود دو نوع شرایط با شیوه عمل را برای کنش فرد در نظر می‌گیرد.

یک شیوه‌ای است که براساس انگیزه‌های شخصی در پیش گرفته می‌شود و دیگری شیوه‌ای است که بر منافع اجتماع متکی است بنابراین فرد در تجزیه و تحلیل نهایی همیشه طریقی را در پیش می‌گیرد که خواست نظام اجتماعی در آن منظور شده است؛

یعنی انگیزه‌های فردی به طور ایده آلی با ارزش‌های موجود نظام اجتماعی انطباق می‌یابد و به همین دلیل است که نظام جامعه می‌تواند دوام یابد. بنابراین وقتی افراد ارزشهای اجتماعی جامعه را بپذیرند به ناچار بر اساس توقعات یکدیگر عمل کرده و این امر موجبات تجانس اجتماعی را فراهم می‌کند، به بیان دیگر، چون ارزشهای اجتماعی جنبه اشتراکی داشته افراد هم‌نوایی اجتماعی را حتی اگر بر خلاف منافع فردی آنان باشد می‌پذیرند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۲۷).

در بازار کار نیز هم اکنون با آنکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، اما از لحاظ نوع شغل، موقعیت اشتغال و میزان درآمد ناشی از کار با شرایط متفاوتی نسبت به مردان روبرو هستند و به طور مساوی از آنها در بازار کار استفاده نمی‌شود، بنابراین زنان شرایط بحرانی‌تری در بازار کار نسبت به مردان دارند. نظریه‌هایی به منظور تحلیل و تبیین این تفاوت‌ها شکل گرفته‌اند. نظریه‌های اصلی در این زمینه عبارتند از: نظریه نئو کلاسیک، نظریه تجزیه شدن بازار کار و نظریه جنسیت. می‌توان نظریه نئو کلاسیک را در یک دیدگاه اقتصادی، نظریه تجزیه شدن بازار کار را در یک دیدگاه اجتماعی و نظریه جنسیتی را متأثر از یک نگرش فرهنگی دانست.

در دیدگاه نظریه نئو کلاسیک برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی و اختلاف درآمد بین کار مردان و زنان به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمی، آموزش‌های عمومی، غیبت و جابجایی از کار اشاره می‌شود و این عوامل را در میزان بهره‌وری نیروی کار مؤثر می‌دانند (کار، ۱۳۷۳: ۱۵). نظریه نئو کلاسیک این مسأله را مطرح می‌کند که زنان کمتر از مردان مزد به دست می‌آورند، چون سطح سرمایه‌ی انسانی آنها پایین است و قابلیت تولید آنها ناچیز است. مراد از سرمایه انسانی اساساً آموزش، آموزش حرفه‌ای و تجارب شغلی است (زنجانی زاده، ۱۳۷۰: ۱۵۲-۱۵۰).

فرضیات پژوهش

- بین عامل قدرت در گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل رابطه وجود دارد.
- بین عامل اقتصاد خانواده در گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل رابطه وجود دارد.

- بین عامل جامعه‌پذیری در گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل رابطه وجود دارد.
- بین عامل روانشناختی در گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. در این روش ضمن به کارگیری ادبیات نظری موجود، متغیرهای اصلی پژوهش شاخص‌سازی شده و در پرسشنامه محقق ساخته گویه‌ها در طیف ۵ تایی لیکرت از پاسخگویان پرسش شده است. نمونه پژوهش شامل ۳۸۴ نفر از شهروندان ۱۵ تا ۶۰ ساله ساکن اهواز است که به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و به کمک فرمول کوکران برآورد شده است. همانطور که عنوان شد برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده و بخشی از پرسشنامه شامل ویژگی‌های فردی و جمعیت‌شناختی و بخش دیگر شامل طیف‌های سنجش متغیرهای اصلی پژوهش است. داده‌های گردآوری شده به کمک نرم افزار SPSS تحلیل شد و روایی پرسشنامه از نوع روایی صوری تعیین و پایایی پرسشنامه نیز به وسیله ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که پایایی آن با داشتن ضریب آلفای ۰/۸۳ گویای پایایی بالایی است.

یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول

- ۱- بین میزان عامل قدرت و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل رابطه وجود دارد.

جدول ۱- خروجی تحلیل آماری ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان عامل

قدرت و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل

ضریب همبستگی	جامعه آماری	برآورد
$r=0/598^{**}$	$N=384$	$sig=0/000$

با توجه به سطح سنجش دو متغیر در سطح فاصله‌ای، ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فوق مناسب به نظر می‌رسد. همچنین اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\text{sig}=0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=0/598^{**}$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی داری بین میزان عامل قدرت و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل وجود دارد. یعنی هر چه میزان قدرت افراد بیشتر باشد، شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل بیشتر می‌شود.

فرضیه دوم

۲- بین میزان عامل اقتصادی و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل رابطه وجود دارد.

جدول ۲- خروجی تحلیل آماری ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان عامل اقتصادی و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل

ضریب همبستگی	جامعه آماری	برآورد
$r=0/629^{**}$	$N=384$	$\text{sig}=0/000$

با توجه به سطح سنجش دو متغیر در سطح فاصله‌ای، ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فوق مناسب به نظر می‌رسد. همچنین اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\text{sig}=0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=0/629^{**}$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی داری بین میزان عامل اقتصادی و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل وجود دارد. یعنی هر چه میزان شرایط اقتصادی افراد بیشتر باشد، شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل بیشتر می‌شود.

فرضیه سوم

۳- بین میزان عامل جامعه‌پذیری و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل رابطه وجود دارد.

جدول ۳- خروجی تحلیل آماری ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان عامل خانواده و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل

ضریب همبستگی	جامعه آماری	برآورد
$r=0/421^{**}$	$N=384$	$sig=0/000$

با توجه به سطح سنجش دو متغیر در سطح فاصله‌ای، ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فوق مناسب به نظر می‌رسد. همچنین اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=0/421^{**}$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی داری بین میزان عامل خانواده و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل وجود دارد. یعنی هر چه میزان تمایل خانواده افراد بیشتر باشد، شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل بیشتر می‌شود.

فرضیه چهارم

۴- بین میزان عامل روانشناختی و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل رابطه وجود دارد.

جدول ۴- خروجی تحلیل آماری ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان عامل روانشناختی و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل

ضریب همبستگی	جامعه آماری	برآورد
$r=0/585^{**}$	$N=384$	$sig=0/000$

با توجه به سطح سنجش دو متغیر در سطح فاصله‌ای، ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فوق مناسب به نظر می‌رسد. همچنین اعداد به دست آمده؛ یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\text{sig}=0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=0/585^{**}$) می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معنی داری بین میزان عامل روانشناختی -رضایت مندی و شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل وجود دارد. یعنی هر چه میزان عوامل روانشناختی و رضایت مندی افراد بیشتر باشد، شدت گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل بیشتر می‌شود.

رگرسیون چندمتغیره

رگرسیون چند متغیره روش آماری است که برای تحلیل تاثیر جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل بر روی تغییرات متغیر وابسته به کار می‌رود، به عبارتی دیگر تحلیل رگرسیون چند متغیره برای مطالعه تاثیرات چند متغیر مستقل در متغیر وابسته کاملاً مناسب است. در تحقیق حاضر از آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه اینتر^۱ استفاده شده است. در این روش متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته (گرایش به مشاغل بیرون از خانه) وارد معادله می‌شوند و محقق می‌تواند رابطه خطی موجود بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پیش‌بینی کند. نتایج این معادله رگرسیونی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵- عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی گرایش به مشاغل بیرون از خانه

سطح معناداری	مقدار آماره F	ضریب تعیین تعدیل شده (R2)	مقدار همبستگی بین متغیرها (R)	مدل ۱
۰/۰۰۰	۱۵/۶۴	۰/۳۲۱	۰/۴۳۹	

اطلاعات جدول ترکیبی فوق نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی متغیرها ۰/۴۳۹ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق همبستگی نسبتاً قوی

^۱. Enter

وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/321$ بوده گویای این واقعیت آماری است که ۳۲ درصد از کل میزان **گرایش به مشاغل بیرون از خانه** وابسته به ۴ متغیر مستقل؛ عامل قدرت، عامل اقتصادی، عامل جامعه‌پذیری و عامل روان‌شناختی است. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل ۳۲ درصد واریانس متغیر وابسته گرایش به مشاغل بیرون از خانه را برآورد (پیش‌بینی) می‌کنند. همچنین با توجه به معنی‌داری آزمون $F(15/64)$ در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قابلیت تبیین متغیر وابسته را دارند و همچنین این نتایج حاصل از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با ورود زنان به عرصه عمومی و اجتماعی و افزایش سطح تحصیلات آنان، همچنین ورود آنان به بازار کار و... به تدریج باعث کسب اعتماد به نفس فردی و اجتماعی آنان شده است. این مساله و دامنه آن نه تنها در خانواده، بلکه به ساختارهای جامعه نیز کشیده شده است. البته امروزه در جامعه زنان صرف نظر از اشتغال (اعم از کار خارج منزل یا خانه‌داری) وظایف مهمتری از جمله انتقال و تولید فرهنگ را بر عهده دارند. زنان، خواه به عنوان مادر و خواه به عنوان معلم و عضو جامعه، در انتقال فرهنگ به کودکان و نسل آینده نقش بسزایی دارند. شیوه نظارت نامحسوس و ناملموس کودک در مسائل فرهنگی کودک بر عهده زنان است. کودک به لحاظ تحوّل روانی در هر زمان، نوع خاصی از نظارت را می‌طلبد. زنان صرف نظر از تأثیر بر کودک به عنوان رهبر فرهنگی و الگو برای او، نقش انتقال فرهنگ جامعه به کودک را نیز بر عهده دارند. پارسونز معتقد است که تخصص و تفکیک نقش‌ها به حفظ نظام خانوادگی کمک می‌کنند و بنای آن‌ها اجتماعی کردن کودک است. این دیدگاه مانع حضور زنان به عرصه عمومی بوده است، اما در بسیاری از کشورها عملاً این‌طور نشده است. البته ورود زنان به عرصه عمومی باعث نشده است که زنان از رسالت اصلی خود یعنی فرزند پروری و تربیت آنها غافل شوند. در زمینه اشتغال زنان بسیاری از اندیشمندان اجتماعی کار را به عنوان مسأله مرکزی موجودیت انسان درک نمودند. این موضوع توسط انگلس در مقاله ناتمامش با عنوان

نقش کار در تحول از میمون به انسان توسعه پیدا کرد. او در آن جا ادعا می‌کند که کار شرط اساسی اولیه برای همه موجودات انسانی است و اهمیت این موضوع به حدی است که باید بگوییم که در یک معنا، کار انسان را خلق نمود (مگ‌داف، ۲۰۰۶: ۹). در نگاه اول شاید این تفکر بسیار ایدئولوژیک به نظر رسد، اما امروزه با مطالعه فرایند کار در افراد، شاهد این مساله هستیم که بجای اینکه کار در خدمت رشد و تعالی آدمی باشد، انسان‌ها در خدمت کار قرار گرفته‌اند. با اهمیتی که کار برای انسان دارد مهمترین بحث مرتبط با شغل با جنسیت افراد ارتباط پیدا می‌کند. با تحول فرهنگی جوامع مفهوم کار و شغل نیز متحول شده است و امروزه کمتر شاهد نقش‌ها و شغل‌های تفکیکی و جنسیتی هستیم. فرهنگ انسان در گذشته خالق به نام مفهوم کار زنانه و مردانه بوده و این تفکیک عموماً با فیزیولوژی آدم‌ها مرتبط بود، اما در کا امروزه شاهد حضور زنان در نقش‌هایی هستیم که در گذشته شدیداً برای آنها تابو بوده است. برای مثال رانندگی کامیون و کار در مشاغل معدنی و پالایشگاهی یکی از عرصه‌های حضور آنان است. با توجه به مباحث مطرح شده در بخش تئوری و نظری نظر می‌رسد که دو نوع افراط‌گرایی تا کنون به سطح و نحوه حضور زن در عرصه عمومی آسیب رسانده‌اند. یکی دیدگاه سنتی به زن که وی را ناتوان از انجام کارهای بیرون منزل دانسته و زن خانه دار پارسا که عمر خود را به پای شوی و فرزندان خود می‌گذارد را بهترین الگو برای زن معرفی می‌کرد و دیگری نگاهی بود که در مدرنیته کردن جامعه توسط رضاشاه و محمد رضاشاه دنبال می‌شد. آنان بدون توجه به نیازهای واقعی زن ایرانی و ساختار خانواده ایرانی که طی هزاران سال شکل گرفته، به زور می‌خواستند زن را وارد محیط بیرون از خانه کنند و به سبک کشورهای غربی درگیر کار و فعالیت‌های مختلف اجتماعی نمایند که این مسأله خود باعث جبهه‌گیری بخش بزرگی از جمعیت جامعه علیه این اقدامات شد و خانه‌نشینی گروه‌هایی از زنان جامعه را تداوم بیشتری بخشید. البته در این زمینه دیدگاهی وجود دارد که شدت عمل بکار رفته توسط دولت پهلوی را در آغاز ضروری می‌داند و بر این باور است که در صورت تداوم روندهای آن دوره، طبقات سنتی جامعه نیز به ناگزیر به تغییرات تن در می‌داد و نسل‌های بعدی بر اساس الگوهای جدید جامعه پذیر می‌شد؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد که با کم شدن سرعت توسعه، فرصت برای بازاندیشی نحوه حرکت به سمت پیشرفت

و ترقی و چگونگی مشارکت زنان در این فرآیند فراهم شده و زن ایرانی تلاش دارد تا ضمن بهره‌مندی از حضور فعالانه خود در جامعه، خویش را در پیوستگی با گذشته تاریخی خود و فرهنگ دینی که در آن پرورش یافته ببیند و از سوی دیگر به شیوه‌ای امروزی مفاهیم مربوط به حقوق و اشتغال زنان و رویه‌های موجود در این حوزه‌ها را بازتعریف نماید.

منابع

- ۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۳) ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. چاپ دهم، تهران: نشر نی.
- ۲- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- ۳- آزاده، منصوره اعظم، و راضیه دهقان فرد (۱۳۸۵). "نقش جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی"، مجله پژوهش زنان ۴(۱ و ۲): ۱۷۹-۱۵۹.
- ۴- احمدنیا، شیرین. (۱۳۸۰). برخی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت محدود زنان. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، شماره ۴.
- ۵- احمدی، حبیب، و سعیده گروسی (۱۳۸۳). "بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی"، مجله مطالعات زنان ۲(۶): ۳۰-۵.
- ۶- اخوی‌راد، بتول. (۱۳۸۴). نقش زنان در فرهنگ‌پذیری کودکان، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۴.
- ۷- اردشیری، مهرداد. (۱۳۷۰)، بررسی امکانات و مشکلات اشتغال زنان در شهر شیراز، عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- ۸- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۹- امینی، محمد؛ حسینیان، سیمین؛ امینی، یوسف. (۱۳۹۲). بررسی ورود زنان به عرصه اشتغال و تاثیر آن بر میزان قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده، نشریه:

- جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه) شماره: بهار ۱۳۹۲، دوره ۴، شماره ۱ (مسلسل ۱۳) ; صفحه ۱ تا صفحه ۲۷.
- ۱۰- باقری، معصومه، یار محمد قاسمی، و هدایت شریفیان (۱۳۸۸). "بررسی اشتغال زنان و تأثیر آن بر هرم قدرت خانواده"، *مجله کار و جامعه* (۱۱۴-۱۱۳): ۴۸-۵۷.
- ۱۱- برناردز، جان (۱۳۸۴). *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- ۱۲- پرون. م. لارنس، ا. (۱۳۷۴). نظریه‌های شخصیت، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، چ ۳، تهران، رسا، ج ۱.
- ۱۳- ترنر، جانان. ا. ج. (۱۳۷۳). ساخت نظریه جامعه‌شناسی. ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: انتشارات نوید.
- ۱۴- توسلی، افسانه؛ رفیعی خونانی، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل (کارمندان زن سازمان بیمه خدمات درمانی)، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم/شماره دوم / تابستان ۸۷
- ۱۵- توسلی، افسانه؛ سعیدی، وحیده (۱۳۹۰). تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر ایوانکی، *مجله زن در توسعه و سیاست* ۹(۳): ۱۴۹-۱۳۳.
- ۱۶- توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی کار در شغل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی،
- ۱۷- جزنی، نسرين. (۱۳۸۴). مدیریت منابع انسانی. تهران: نشر نی.
- ۱۸- جعفریان، رسول (۱۳۸۳) داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۹- چیل، دیوید (۱۳۸۸). *خانواده‌ها در دنیای امروز*، ترجمه: محمد مهدی لیبی، تهران: نشر افکار، چاپ اول.
- ۲۰- خسرو پناه، محمدحسین (۱۳۸۱) هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی. تهران: نشر پیام امروز

- ۲۱- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، (۱۳۸۰) گزارش اجمالی وضعیت اشتغال زنان. دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری.
- ۲۲- دورکیم، امیل. (۱۳۸۱) درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، ویرایش دوم، تهران: نشر مرکز.
- ۲۳- ذوالفقارپور، محبوبه، سیمین حسینیان، و منوره یزدی (۱۳۸۳). "بررسی رابطه میان ساختار قدرت در خانواده با رضامندی زناشویی زنان کارمند و خانه دار شهر تهران"، *مجله تازه ها و پژوهش های مشاوره* ۳(۱۱): ۴۶-۳۱.
- ۲۴- راوندی، مرتضی (۱۳۵۷) تاریخ اجتماعی ایران. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۲۵- رستگار، خالد (۱۳۷۷) نظر سنجی از زنان شاغل درباره تعارض نقش های شغلی و خانوادگی، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی، تهران.
- ۲۶- رستمی، الهه. (۱۳۷۹) جنسیت اشتغال و اسلام گرایی، ترجمه رویا رستمی. تهران انتشارات جامعه ایرانیان.
- ۲۷- ریتزر، جرج (۱۳۸۰). *نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی، چاپ دوم.
- ۲۸- زراء، منصوره؛ منتظر حجت، امیر حسین. (۱۳۸۴). نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران سال پنجم بهار ۱۳۸۴ شماره ۱۷.
- ۲۹- ساناساریان، الیرز (۱۳۸۴) جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷. ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران.
- ۳۰- سفیری، خدیجه. (۱۳۷۷) جامعه شناسی اشتغال زنان، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷.
- ۳۱- سفیری، خدیجه، راضیه آراسته، و مرضیه موسوی (۱۳۸۹). "تبیین رابطه ی میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده"، *مجله زن در توسعه و سیاست* ۸(۱): ۲۹-۷.
- ۳۲- شعبانی، رضا (۱۳۷۹) مبانی تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نشر قومس.

- ۳۳- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۳۴- عنایت، حلیمه، و منصوره دسترنج (۱۳۸۹). "مطالعه ساختار قدرت در خانواده"، *مجله زن در توسعه و سیاست* ۸(۱): ۱۲۴-۱۰۷.
- ۳۵- فوران، جان (۱۳۸۰) *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۳۶- قائمی فر، حسین، و مجتبی حمایت خواه جهرمی (۱۳۸۸). "بررسی تأثیر خانواده بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه پیام نور جهرم"، *مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه* ۱(۳): ۱۰۲-۸۳.
- ۳۷- گروسی، سعیده (۱۳۸۷). "بررسی ساختار قدرت در خانواده های شهرستان کرمان"، *مجله مطالعات زنان* ۶(۲): ۲۵-۷.
- ۳۸- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- ۳۹- گیرشمن، ر. (۱۳۸۴) *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه دکتر محمد معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات معین.
- ۴۰- لولا آور، منصوره (۱۳۷۴)، *اشتغال زنان و تأثیر آن بر باروری کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران*، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد جمیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ۴۱- مرنیسی، فاطمه (۱۳۸۰) *زنان پرده نشین و مردان جوشن پوش*. ترجمه ملیحه مغازی، تهران: نشر نی.
- ۴۲- توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۵). *نگاهی حقوقی بر خانه داری یا اشتغال خانگی زنان در ایران*، همایش بین‌المللی نقش زن در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه اصفهان، ۲۰ تا ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۵

۴۳- مهدوی، محمد صادق، و حبیب صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲). "بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده"، *مجله مطالعات زنان* ۱(۲): ۶۷-۲۷.

۴۴- میشل، آندره (۱۳۷۲). *جامعه شناسی خانواده و ازدواج*. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۴۵- هومین فر، الهام (۱۳۸۲). "تحول جامعه پذیری جنسیتی"، *مجله پژوهش زنان* ۱(۷): ۸۹-۱۱۳

۴۶- یعقوبی نیا، فریبا؛ مظلوم، سیدرضا؛ صالحی فدردی، جواد و اسماعیلی، حبیب ا... (۱۳۸۲). *بررسی ارتباط عزت نفس با فرسودگی شغلی در پرستاران شاغل در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی مشهد*.

- 47- Bass, Bernard.M., (1990). *Bass and Stogdill's handbook of leadership*, 3rd ed. Free Press, New York, p.737
- 48- Fierman, Jaclyn. (1990). "Why Women still. Don't hit the top." *Fortune* (July 1990)
- 49- Joanna, E. (2003) "The Gender Gap in Canada: Now You See It, Now You Don't", *Canadian Review of Sociology, Anthropology*, vol. 35, No. 2 PP. 191 -
- 50- Miller, C., Hinojaso, R., Mckeon, H. B. and Keller, R. (2007). *The National Network for Women's Employment*. *Journal of Women Work*.
- 51- Moghadam, V. (1990). *Gender, Development and Poverty: Toward Equality and Empowerment*. Helsinki, The United Nations University Publication.
- 52- Paula, R. et al. (1986). *Psychological Consequences of Multiple Social Roles*. *Psychology of Women Quarterly*. 10, 373-383.
- 53- Steinberg, R., and S. Shapiro, "sex differences in personality Traits Of female and male. Master of business administration students", *Journal of Applied psychology*, 1982
- 54- Varre, T. (1992). *Women in Development*. *Journal of women*. 200, 1-29.
- 55- Zuo, Jiping. and Yanjie, Bian. (2005). "Beyond Resources and Patriarchy: Marital Construction of Family Decision Making Power in Post-Mao Urban China". *Journal of Comparative Family Studies* 36(4): 601-622